

## بودجه سال ۱۳۶۴: نه استقلال، نه رفاه!

میر حسین موسوی به هنگام تقدیم بودجه سال ۱۳۶۴ به مجلس شورای اسلامی از "موفقیت‌های قابل ملاحظه" دولت در زمینه اقتصادی سخن گفت و برای "اثبات" این نظر برخی آمار و ارقام نیز ارائه داد.

بودجه هر کشور آئینه‌ایست که در آن میتوان وضع اقتصادی کشور را به عیان مشاهده کرد. بودجه در عین حال اهرم عمده تقسیم درآمد ملی در جامعه است. از این نظر تحلیل و بررسی ارقام بودجه سال ۶۴ حائز اهمیت است. حجم کل بودجه دولت در سال ۱۳۶۴ حدود ۳۸۶۸۷ میلیارد ریال وکل درآمد ۳۵۷۰ میلیارد ریال برآورد شده است. در صورت تامین درآمد‌های کشور، کسر بودجه به مبلغ ۳۹۴۵ میلیارد ریال بالغ خواهد شد.

ارقام اساسی بودجه که میر حسین موسوی ارائه داشت عبارت بودند از (به میلیارد ریال):

- آموزش و پرورش ۴۵۷، بهداشت و درمان ۱۹۴، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم جنگ ۱۱۸۵، دستگاه‌های با مواد هزینه ملی ۸۰۰، دستگاه‌های با مواد هزینه استانی ۱۰۰ و سوسید ۱۳۹.
- بدینسان از ۲۸۷۵۰ میلیارد ریال ارقام اساسی بودجه ۱۱۸۵۰ میلیارد ریال و بهتر بگوییم بیش از ۴۱ درصد آن صرف هزینه‌های نظامی خواهد شد. در کشوری که ۷۰ درصد اهالی آن بیسوادند، بودجه نظامی حدود سه برابر بودجه آموزش و پرورش است. و این در حالیست که میلیونها کودک به علت کمبود مدرسه و آموزگار قادر به تحصیل بقیه در صفحه ۴



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم - سال اول - شماره ۲۹  
پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۳  
بها ۲۰ ریال

## گل سرخی دیگر



رفیق شهید غلامحسین قناعتی

باخبر شدیم که رفیق توده‌ای غلامحسین قناعتی با نام مستعار "شاپور"، در اثر مقاومت بیکیفر در زیر شکنجه‌های وحشیانه در زخمیان در ۱۰ ج به شهادت رسیده است. تاریخ شهادت رفیق قناعتی اول آذرماه ۱۲ بوده و حالاً بیش از یکسال از این واقعه در دناک می‌گذرد.

در زخمیان ج ۱۰ بر حسب محمول مرگ وی را در زیر شکنجه "خودکشی" قلمداد کرده‌اند. رفیق شهید قناعتی دارای همسر و یک فرزند است. همسر وی نیز یکی از رفقای توده‌ای است که هم اکنون در بند ج ۱۰ به سر می‌برد.

از زندگی ناه رفیق قناعتی آگاهی چندانی نداریم. بدیهی است رفقای که از نزدیک با وی آشنایی داشته‌اند ما را در جریان زندگی این قهرمان شهید توده‌ای قرار خواهند داد.

## مبارزه کارکنان ذوب آهن در راه استقلال اقتصادی

نبرد خونین کارگران مبارز کارخانه ذوب آهن اصفهان و اعمال تبهکارانه ارگان‌های سرکوبگر ماهیت ضد مردمی رژیم را بیش از پیش فاش ساخت. رویارویی خونین هیات خاکمه ارتجاعی با جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران پدیده نویسی نیست. طی شش ماه اخیر بیش از صد اعتصاب در کارخانه‌های بزرگ از قبیل کاناداد رای‌پاربر ماشین سازی اراک و غیره و نیز در مجتمع کشت و صنعت مغان روی داده، که در اکثر موارد سران رژیم برای سرکوب آنها از ارگان‌های سرکوبگر بهره گرفته‌اند.

۱۷ خرداد ۱۳۵۹، آقای خمینی در سخنرانی نوبتی گفت: "من هر روزی که از این انقلاب می‌گذرد، توجه به این معنا بیشتر پیدا می‌کنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و مانکریم و مایا مقصریم و یا قاصر و در هر دو جهت در پیشگاه ملت جواب باید بدیم. مردم همان‌طور که میدانید انقلاب کردند و آن جرثومه فساد را بیرون کردند و به پیروزی نسبی رسیدند و وقتی که امر دست ماها افتاد، هیچکدام انقلابی عمل نکردیم...".

آقای خمینی این سخنرانی را زمانی ایراد کرد که توده‌های میلیونی مردم به تحقق وعده‌های رهبران ج ۱۰ پیرامون استقرار عدالت اجتماعی به نفع توده‌های محروم که وی نیز پیوسته روی آن تکیه می‌کرد، امید داشتند. زیرا در آن روزها هنوز نقاب تزویر از چهره حکام ج ۱۰ دریده نشده بود. توده‌های میلیونی زحمتکشان می‌بایست در تجربه روزانه به ورطه عمیق میان‌کردار و گفتار رهبران سیاسی پی می‌بردند و این امر نیاز به زمان داشت.

اکنون زحمتکشان کشور در عمل به خصلت عمیقاً ارتجاعی هیات خاکمه پی برده‌اند و بدستی بقیه در صفحه ۲

## فرجام ناکام هیئت‌های هفت نفره بیانگر سیاست ضد دهقانی رژیم است

### شلیک هر گلوله برای ادامه جنگ تنها سود امپریالیسم و ارتجاع است

خانم‌های هم می‌نویسند: "فرماندهان مجرب و میدان جنگ دیده جوان باید تکلیف جنگ را یکسره نمایند و با شتاب بخشدین به روند عملیات باعث خوشحالی مردم شوند." (اطلاعات ۱۰ آذر ۶۳).

و موسوی اردبیلی نیز به نومه خود اعلام داشت: "طولی نخواهد کشید که مرحله سرنوشت ساز (جنگ) شروع می‌گردد." (اطلاعات ۱۰ آذر ۶۳).

بدینسان سران ج ۱۰ در شرایطی دزبانه داده جنگ خانمانسوز سخن می‌گویند و بدون در نظر گرفتن خواست واقعی صلح خواهانه مردم و نادیده انگاشتن منافع و مصالح ملی و استقلال طلبانه خلق‌های ایران و صلح و امنیت منطقه و بقیه در صفحه ۳

بار دیگر سردمداران رژیم ج ۱۰ برای به حرکت درآوردن ارابه جنگی خود شیپورهای آماده باش را به صدا در می‌آورند. آنها که از شکست‌های پیاپی پیشین درسی نیاموخته‌اند و تب دستیابی به اهداف ماجراجویانه و توسعه طلبانه کورشان کرده است، می‌خواهند موج تازه‌ای از خون و ویرانی و بی‌خانمانی را برای مردم ایران و عراق ببار آورند.

رفسنجانی در سمینار فرماندهان بسیج اعلام می‌دارد: "از جانب من به عنوان نماینده امام دشواری عالی دفاع که مرکز تصمیم‌گیری در مورد جنگ است به همزمان خود خبر بپردازد که ما از هر جهت خودمان را آماده کرده‌ایم که کار جنگ را یکسوز کنیم" (اطلاعات، ۴ آذر ۶۳).

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## مبارزه کارکنان ذوب آهن در راه استقلال اقتصادی

بقیه از صفحه ۱

در ریافته اند، که دیگر سخن بر سرفصو یا انقلابی عمل کردن نیست، بلکه بر سر خیانت به آماج های مردمی انقلاب است. بهمین سبب نیز کارگران ایران با در نظر داشتن رسالت تاریخی خود پرچم مبارزه خونین علیه خائنین به انقلاب را بدوش گرفته اند.

اعتصاب کارکنان کارخانه ذوب آهن اصفهان که تعداد شرکت کنندگان آن از ده هزار نفر به بیست هزار نفر فراروئید و همستگی کارگران فولاد مبارکه و برخی دیگر از مؤسسات صنعتی با آنها، نشانگر رشد کیفی پیکار کارگران ایران در مرحله کنونی است. از این لحاظ بررسی عوامل مؤثر در شکل گیری اعتصاب حائز اهمیت است. ارگان های تبلیغاتی رژیم همانند دوران ستمشاهی در این باره هم سکوت کرده اند. اما مطالبی که جسته و گریخته در روزنامه های مجاز کشور انتشار می یافت، نشان می داد که نبرد سختی میان کارکنان مجتمع ذوب آهن از سویی و دشمنان استقلال اقتصادی ایران، از سوی دیگر جریان داشت. و عامل در شکل گیری اعتصاب بیست هزار نفری مجتمع ذوب آهن اصفهان دخیل بود.

### وضع فداکتابار کارگران

یکی از کارگران بخش کوره بلند در رابطه با مسائل و مشکلات حادث کارگری می گوید: "می توان گفت که در تمامی قسمت های ذوب آهن کارهای سخت بدنی وجود دارد و این خود یکی از عواملی است که در کاهش عمر کاری کارگر تاثیر بسیار دارد. من ۹ سال است که در این قسمت مشغول کار هستم و با وجود کار سخت بدنی و این نبود محیط کاری از نظر آلودگی صنعتی هنوز وضعیت من مشخص نشده است. هنوز بد رستی نمی دانم که آیا واقعا تضمینی برای فردای من وجود دارد یا نه؟"

او می افزاید: "به کارگری که در پای کوره های بلند، سالها تن به دوشوارترین کارها داده پس از اینکه دیگر انرژی اصلی خود را به علت بالا بودن دما از دست می دهد، گفته میشود، شما باید به شغل هایی نظیر آبدارچی یا نظافتچی مشغول شوید و این برای یک کارگر ماهر پای کوره درد است. او ترجیح می دهد در پای کوره بماند ولی شغلهایی از این قبیل نگیرد. آبروی کارگران اصلا در نظر گرفته نمی شود."

ده ها هزار کارگر مجتمع ذوب آهن با چنین آینه مبهمی روبرو هستند. آنها تقریباً از بیمه درمانی محروم اند. دولت فقط درصد خاصی از ویزیت دکترهای بیرون از کارخانه را می دهد و آنهم بقول کارگران با "هزار و یک مشکل که دیگر انسان به نگرفتن این درصد هم راضی می شود". مسئله حیاتی دیگر، عدم تغییر ضرایب حقوق است. تاکنون در این مجتمع ستمزد کارگران با وجود گرانی سرسام آور، تغییری نکرده است. مهندسین و سایر مسئول بخش کک سازی در

رابطه با مشکلات کارخانه از جمله مسائل دستمزد و بهداشت و درمان کلیه پرسنل را مطرح میسازد. او می گوید اختلاف دستمزد میان ذوب آهن و فولاد مبارکه بسیار زیاد است و این خود یکی از عوامل مهمی است که در طرد افراد متخصص بسیار موثر است. کارگران و تکنیسین های ذوب آهن برای تامین زندگی به کار دوم روی می آورند، و این خود یکی از عوامل مهمی است که راند مان کاری و کیفیت مطلوب را پائین آورده و در آینده خطرات بسیاری را متوجه این صنعت مادریسازت، وی خاطر نشان می سازد: "ما متخصصینی داشته ایم که با ۷ تا ۱۲ سال سابقه کار، کارخانه را اصلاحها و پشت سرشان را هم نگاه نکرده اند، من فکر نمی کنم که در آینده با این وضع فعلی به خود کفایی برسیم..."

پائین بودن دستمزدها، عدم بهداشت و درمان و عدم مراعات ایمنی کار، یگانه مشکل کارگران نیست. مقامات دولتی کارگران را مجبوری کنند حتی از دستمزد اندک نیز مبلغی برای تامین هزینه نظامی بپردازند. فقط در سال ۱۳۶۲ مبلغی در حدود ۵۰ میلیارد ریال از حقوق کارکنان به این بهانه کسر شده است.

### در توطئه ازین بردن مجتمع ذوب آهن

حملات دشمنان استقلال اقتصادی ایران به مجتمع ذوب آهن اصفهان، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب آغاز شد. آنها روند ذوب آهن را غیر اقتصادی و غیر متداول خواندند. وزیر امور دارایی و اقتصادی دولت موقت اظهار داشت که گویا ذوب آهن سالانه ۳ میلیارد تومان زیان می دهد. در همان ایام شورای کارکنان ذوب آهن مرکزی شرکت ملی ذوب آهن ایران ریاست به وزیر نوشتند، بیان تولید و مخارج کارخانه ذوب آهن در سال ۵۶ نشان می دهد که علاوه بر تامین کلیه مخارج کارخانه و معادن وابسته ۳۷۳ میلیون تومان بابت اصل و بهره سرمایه در گردش به بانک ملی برگشت داده شده و ۵۱ میلیون تومان مالیات حقوق و دارایی پرداخت کرده است. با این وجود تبلیغات علیه صنایع ذوب آهن اصفهان قطع نشد و جریانهای ارتجاعی و جیره خواران امپریالیسم مسئله تعطیل کارخانه را مطرح ساختند. وقتی این نقشه شیطانی هم در اثر مقاومت کارکنان با شکست روبرو شد، اینک توطئه واگذاری واحدهای سود آور ذوب آهن به کلان سرمایه داران در حال تکوین است. علتی که در توجیه این خیانت جدید ارائه میشود، بازماند گذشته عدم سود آوری ذوب آهن است.

در این که مجتمع ذوب آهن اصفهان نیز، مانند دیگر رشته های صنعتی با مشکلات عظیمی روبروست، تردید نیست. ولی این مشکلات ناشی از سیاست ضد مردمی اقتصادی و اجتماعی نظام ج.ا.ا. است. اما مجتمع ذوب آهن اصفهان حتی در این شرایط سخت نیز توانسته نقش مهمی در

اقتصاد کشور ایفا کند.

مثلا، مدبر عامل شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان در پاسخ به گزارش دکتر کیهان که نوشته بود "پس از انقلاب ذوب آهن و آل گردن دولت انقلابی شد" می نویسد: "در این مورد باید گفت که دقیقاً برخلاف اکثر صنایع کشور که پس از انقلاب به دلیل وابستگی شدید به مواد اولیه ساخته و نیم ساخته خارجی مشکلات زیادی را برای دولت به وجود آوردند، ذوب آهن اصفهان بخاطر تکیه اصلی و اساسی بر معادن داخلی کمترین مشکل را از این نظر داشت. آمار تولید و کاربرد و وقفه کارخانه در سال های پس از انقلاب در قیاس با دیگر واحدهای صنعتی به خوبی این امر را ثابت می کند." (کیهان ۲۰ آبان ۶۳).

دوست بهمین علت که مجتمع ذوب آهن با همکاری اتحاد شوروی بر پایه منابع داخلی کشور بوجود آمده توانسته در مقام مقایسه با صنایع مونتاژ وابسته به انحصارهای چند ملیتی امپریالیستی قرار گرفته و برتری خود را ثابت کند مورد شدیدترین حملات عمال امپریالیسم واقع شده است. جیره خواران انحصارهای خارجی که در مقامات حساس رخنه کرده اند، به انواع کارشکنی ها برای جلوگیری از روند عادی تولید در این مؤسسه عظیم دست می زنند. یکی از گردانندگان انجمن اسلامی کارخانه در مصاحبه با کیهان می گوید: "از لحاظ گروهکهای ضد انقلاب، در این

مجتمع که حدود چهار هزار نفر پرسنل دارد طبیعتاً افرادی از گروهکها وجود داشت. خوشبختانه تمام آنها شناسایی شده و از صحنه خارج شدند. منظور وی ماهرترین تکنیسین ها و مهندسان کارخانه است که اعضای سازمان های انقلابی هستند. اکثر آنها روانه زندان ها شده و یا کشور را ترک کرده اند. در نتیجه به گفته مسئولین، کارخانه قادر نیست بهره دهی کار را بالا ببرد. اسید سولفوریک یکی از مواد مورد نیاز در تولید مداوم فولاد بشمار می رود. کارشکنی در حمل و نقل و تامین این ماده، موجب آن می شود که کار کوره های بلند متوقف شود و این امر هم از لحاظ تکنیکی و هم از نظر اقتصادی خسارت زیادی به کارخانه وارد می سازد.

مهندس بیگلری جنبه دیگر کارشکنی ها را مطرح می سازد. به نظر وی، یکی از مشکلات، قطعات یدکی و مسئله ارزی است. بلوچستانی سرپرست بخش آلومراسمین می گوید: "البته این خود جای تحقیق بسیار دارد که چرا با توجه به وجود معادن منگنز، استخراج آن در حد مصرف صنایع داخلی نمی باشد، که این مشکلات اکثراً از ناحیه سازمانده می باشد و ما انتظار داریم که مسئولین جهت برطرف کردن این مهم بسیار کوشا باشند." "کیهان" از "شایعات" مبنی بر کهننه بودن تاسیسات و قدیمی بودن روش ذوب آهن اصفهان سخن می آورد. مدبر عامل ذوب آهن می گوید: "روش سنتی تولید فولاد نیز کدر این کارخانه مورد استفاده قرار می گیرد، روشی

بقیه در صفحه ۶





## بودجه سال ۱۳۶۴: نه استقلال، نه رفاه!

بقیه از صفحه ۱

یستند. ژرفای این ترازوی وقتی بیش از پیش آشکار می شود، که بودجه نظامی را با بودجه بهداشت مقایسه کنیم. بودجه بهداشت فقط ۱۶ درصد هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ، را شامل می شود.

از سال ۱۳۵۹ تا آخر سال ۱۳۶۳ مبلغی را حدود ۳۷۰۰ میلیارد ریال صرف هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ شده است. خسارات عظیم مالی که به گفته نخست وزیر ۲۰ میلیارد دلار است شامل این رقم نیست. در همین فاصله کسر بودجه کشور و یا استقرار از سیستم بانکی به ۴۵۲۴ میلیارد ریال بالغ شده است. مقایسه این بکریه ها نشانگر آن است، که ورشکست اقتصادی رژیم در درجه اول با اداهاه جنگ ارتباط مستقیم دارد. اداهاه این سیاست که در سر لوجه بودجه سال ۶۴ قرار دارد، اقتصاد کشور را بیش از پیش با انهدام روبرو خواهد ساخت.

ولی آقای موسوی می گوید: "اینک جامعه، ر مسیر به نسبت مطلوب، بسوی رشد و توسعه مبرمی دارد. تولید ناخالص ملی کشور که در سال ۵۸ معادل ۶ درصد و در سال ۵۹ معادل ۱۴ درصد کاهش یافته بود، در سال ۶۰، ۲۸ درصد رشد کرد، این رشد در سال ۶۱ به ۱۵ درصد رسید و بر رسیه های مقداتی در ورد سال ۶۲ نیز نشاندهنده رشد مناسب در تولید ناخالص ملی است."

میر حسین موسوی با شعبده بازی با ارقام حقایق مربوط به اقتصاد کشور را تحریف می کند. و نمی گوید افزایش تولید ناخالص ملی که وی آنرا سلامت اقتصادی می داند، به چه معنی است. نخست وزیر نمی گوید که کل تولید ملی از ۲۷۰۹۶ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۲۷۰۹۶ میلیارد ریال در سال ۶۰ کاهش یافت. در همان فاصله زمانی درآمد ملی از ۳۶۴ میلیارد ریال به ۲۷۷۵۶ میلیارد ریال تنزل کرد. اگر در سال ۵۶ درآمد سرانه ملی ۱۰۵ هزار ریال بود، در سال ۱۳۶۰ به ۷۲ هزار ریال رسید. به بیان دیگر درآمد اهالی، یعنی نوده های زحمتکش کشور از ۳۲ درصد کاهش داشت که مؤید تشدید فقر در جامعه است.

نخست وزیر می گوید، در سال ۶۱، تولید ناخالص داخلی در مقایسه با سال ۶۰ حدود ۱۵ درصد افزایش داشته است، اما، او نمی گوید که ۹۲ درصد این رشد ناشی از افزایش سند و نفت بود. اگر در سال ۱۳۶۰ تولید نفت ۱۰ میلیون بشکه در روز بود، در سال ۱۳۶۱ به ۱۲۷ میلیون بشکه رسیده است، یعنی صادرات نفت بیشتر از دو برابر شد. و این بیانگر وابستگی عقیق اقتصاد کشور به درآمد نفت، یعنی بازار جهانی سرمایه داری و انحصارهای نفت خوار است. هم اکنون ۹۲ درصد صادرات کشور را نفت خام تشکیل می دهد و صادرات کالاهای غیر نفتی از ۳۲ درصد تجاوز نمی کند.

روزنامه کیهان (۱۶ خرداد ۶۳) از قول یکی از نمایندگان مجلس نوشت: "در سال ۱۳۶۲ از ۳۷۰ میلیارد تومان بودجه، ۲۰۰ میلیارد تومان آنرا از درآمد نفت داریم، از ۷۰ میلیارد تومان مالیات نیز ۵۰ میلیارد تومان آن مکتبی بر کالاهایی است که با ارز نفت خریده می شود. یعنی ۸۵ تا ۹۰ درصد بودجه کشور وابسته به نفت است."

در سال ۶۱ درآمد نفت ۲۳ میلیارد دلار و در سال ۶۲ حدود ۲۱٫۵ میلیارد دلار بود که شامل بخش اعظم تولید ناخالص داخلی می شود. نخست وزیر نه تنها این واقعیت تلخ را پرده پوشی می کند، بلکه ارقام ناصحیح درباره به اصلاح دستاوردهای دولت در زمینه افزایش تولید فراورده های نفتی ارائه می دهد. مثلاً، او می گوید کل فراورده های نفتی نسبت به سال ۶۱ حدود ۷٫۲ درصد افزایش داشت. این

افزایش به چه ظریفی بدست آمده است؟ به گفته وی "پالایشگاه اصفهان، در سال ۶۲، حدود ۲۰ درصد بیش از ظرفیت اسمی خود تولید کرده است. آیا نخست وزیر که مهندس سر هم هست نمی داند، چنین بهره برداری از صنایع به معنای تخریب است؟ چرا آقای موسوی نمی گوید کسره ر نتیجه سیاست ضد ملی رژیم، کشور ما وارد کننده مشتقات نفتی است. هم اکنون سالانه بیش از ۳ میلیارد دلار بنزین، گازوئیل، نفت سفید و سایر مشتقات غیر سوختی از قبیل انواع پلاستیک ها، روغن ها و رزین ها به مملکت وارد می شود.

نخست وزیر نمی گوید که صنایع نفت ایران نه تنها از لحاظ تکنیک و تکنولوژی، بلکه از نظر اداره فنی نیز وابسته به خارج است. همین چندیش رشیدیان، نماینده مجلس شورای اسلامی پس از اشاره به خریدهای وزارت نفت مسئله استخدام مهندسان خارجی با حقوق های کلان از کرجوبی استرالیا، آلمان فدرال، ایتالیا و انگلیس را مطرح و مذاکرات با اعضا کنسرسیوم سابق را فاش ساخت (کیهان، ۲۳ مرداد ۶۳). وضع فاجعه آمیز صنایع نفت وقتی بیش از پیش برجسته می شود که نخست وزیر اعتراف می کند، تاکنون ۲۲٫۴ تریلیون فوت مکعب گاز، معادل حرارتی ۱٫۵ میلیارد بشکه نفت خام سوزانده و تبدیل به دود شده است. و این روند همچنان ادامه دارد.

وابستگی ساختاری عمیق صنایع ایران به جهان غرب را می توان از میزان واردات مواد خام و بدکی های مورد نیاز صنایع درک کرد. فقط در سال ۱۳۶۲ حدود ۶ میلیارد دلار صرف خرید مواد اولیه و بدکی شده است. در سال ۶۲ از جمله ۷٫۵ میلیون تر فف فولاد به کشور وارد شده است. در همین سال میزان کل واردات ایران اعم از کالاهای صنعتی و محصولات کشاورزی مواد خام، نیم ساخته، بدکی و قطعات منفصله ۲۴٫۵ میلیون تن بوده که ۱٫۵ میلیون تن بیش از کل واردات کشور در سال ۱۳۵۶ است.

آمار رسمی دولتی نشان می دهد که در فاصله سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۲ میزان نقدینگی بخش خصوصی از ۳۲۰ میلیارد ریال به ۱۱۲۷٫۲ میلیارد ریال افزایش یافته است (در سال ۱۳۶۳ این رقم به ۷۳۰۰ میلیارد ریال رسید). در کنار این افزایش عظیم حجم نقدینگی، تولید ناخالص ملی در همان فاصله ۲۲٫۲ درصد کاهش داشته است (اطلاعات، ۸ مهر ماه ۶۳).

چرا نخست وزیر این حقایق را بازگو نمی کند؟ او که در سخنرانی بلند بالای خود در مجلس شورا به هنگام تقدیم لایحه بودجه، از دستاوردهای دولت سخن می گوید، حتی اظهارات خود را در ۱۵ مرداد ماه همین سال بدست فراموشی می سپارد. نخست وزیر در آن روز گفت: "ضربه ناشی از جنگ تحمیلی علاوه بر کاهش تولید داخلی، اختلالات قابل ملاحظه ای نیز در امکانات زیربنایی مانند خطوط لوله نفت، توزیع سوخت، پالایشگاه ها، بنادر، امکانات حمل و نقل زمینی، زمین شهری، و بین شهری و هوایی و دریایی، تولید و انتقال نیرو ایجاد نموده است."

بدیگر سخن جنگ و سیاست ضد خلقی رژیم اقتصاد کشور را در مجموع فلج کرده و با حصران و ورشکستگی عظیم روبرو ساخته است. جنگ صدها هزار کشته و معلول بجای گذاشته و صدها سان ضربه سختی بر نیروی کار کشور وارد ساخته است. جنگ به اعتراف خود موسوی، موجبات مهاجرت بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن سراز هموطنان از غرب و جنوب کشور را که بسیاری از آنان اشتغالهای مولد خود را نیز از دست داده اند، فراهم آورده است.

جنگ و سیاست ضد خلقی رژیم موجب آن شده تا هم اکنون حدود ۴ میلیون نفر بیکار آشکار و پنهان در کشور وجود داشته باشد که این رقم ۲۷ درصد کل نیروی فعال کشور را در بر می گیرد. نخست وزیر در سخنرانی فوق الذکر فعالیت های گسترده دولت بیرامون باصلاح توسعه عمران مناطق روستایی سخن گفت. مردم می پرسند: پر علت ورشکستگی کشاورزی چیست؟

در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب که دهقانان توانستند بزرگ مالکان را از روستاها بیرون رانده و کشت و داشت و برداشت را به دست گیرند، تولید محصولات کشاورزی به میزان قابل توجهی افزایش یافت. ولی برآز فرهار آقای خمینی، دابرر متوقف ساختن اصلاحات ارضی معروف به بند "ب" و "د" و سپس بازگشت بزرگ مالکان به روستاها، تولید محصولات کشاورزی با سرعت روبه کاهش رفت. واردات گندم از ۴۰۰ هزار تن در سال ۱۳۵۸ به ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن در سال ۱۳۶۲ رسید. در همان فاصله واردات برنج از ۳۷۱ هزار به ۷۵۰ هزار تن، روغن از ۲۸۰ هزار به ۴۰۰ هزار تن، افزایش یافت. در سال ۱۳۶۲ بیش از ۳۰۰ هزار تن

بقیه در صفحه ۷

## فرجام ناکام هیئت‌های هفت نفره بیانگر سیاست ضد دهقانی رژیم است

رژیم خبانت‌پیشه ج ۰۱۰ با اتخاذ و پیشبرد  
سیاستی که مضمون آن را دفاع از مطامع بزرگ  
مالکان تشکیل می‌دهد هر روزه تدابیر و اقدامات  
مات تازه‌تری جهت تحکیم مالکیت غاصبانه آنها  
دست می‌زند. یکی از مظاهر بارز این سیاست  
ارتجاعی جریان تدارک انحلال هیئت‌های هفت  
نفره تقسیم زمین است. حجت الاسلام هرندی می  
گوید: "در طرح جدیدی که بنام لایحه قانونی  
احیا و واگذاری اراضی موات و زمینهای تحت  
تصرف دولت مطرح شده برنامه اصلی حذف هیئت  
های هفت نفره و ستاد مرکزی است" (اطلاعات،  
۱۳ آبان ۶۳). شریف عضو شورای مرکزی این  
ارگان در همین رابطه می‌افزاید: "ما با صحت  
هایی که داشته‌ایم و گزارش‌هایی که دریافت کرده  
ایم به این نتیجه رسیدیم که الان اصل موجودیت  
هیئت‌ها که یکی از نهادهای جوشیده از انقلاب  
هستند به خطر افتاده است. (اطلاعات، ۱۴  
آبان ۶۳).

هر نهادی بر پایه رسالتی خاص و انجام  
وظیفه معینی پدید می‌آید و فعالیت می‌کند.  
با تحقق رسالت و انجام وظیفه با شکست در آن  
الزاماً ضرورت وجودی و عمر نهاد مربوطه نیز پایان  
می‌یابد. جریان پیدایش، تدوین و فرجام ناکام  
"هیئت‌های هفت نفره" نیز تنها در این چارچوب  
جذب قابل ارزیابی است و خارج از این قانونمندی  
سبب و معنی نواند باشد. این نهاد در شرایط  
اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معینی پا گرفت،  
چند صباحی در برهه موج سرخوردن جو پرنوا ن  
انقلابی حاکم بر جامعه در راستای رسالت خویش  
کام برداشت و سیر به علت تسلط راست‌اندازیان  
در حاکمیت با انواع مشکلات و سدهای غیر قابل  
عبور مواجه گشت. امروز بی‌آنکه به رسالت‌ترجمانه  
عمل پوستاند در آستانه انحلال کامل قرار ندارد.  
حجت الاسلام اصلی می‌گوید: "مانعی -  
خواهد در روستاها توجیه کرد بگذار با نسیم الان  
بند "الف" که عمر در هر تیرا بخواهد مطرح  
شود با مشکلات مواجه است. بند "ب" را هم که  
بناد گرفته است و در مورد بند "ج" هم گفته  
نمهند وارد آر. نبود. پس ما جگر کنیم ما الان  
رمنه کارند اریم." و آقای هرندی با اشاره به این  
نکته که واژه اراضی موات بدون ارائه  
بسیار از امکانات مالی و فنی فاقد هرگونه  
عمر است و "هشت ماه از سال ۱۳ می‌گذرد  
همروز هیئت‌ها یک ریال به عوارض و اموری -  
خارج که واژه اریم کنند نتوانستند بپردازند  
در روستاها به جهت همین که با عیار نخست و رستر  
دور رستگاری. شد اخیراً از طرف وزارت کشاورزی  
اعلام کرده‌اند که ما هیچ راهی برای دادن وام  
به اریم می‌افزاید "سها راهی که برای هیئت‌ها  
بای می‌ماند واژه اری اراضی موات بود، با این  
مانعی که ایجاد شده، آن راه هم بسته‌اند است.  
بدین ترتیب زمینه فعالیت هیئت‌های هفت نفره

از هر جهت توسط مقامات و مسئولین بالای کشور  
علا از بین برده شده است. رژیم در حالی از  
تخصیص امکانات مالی به این نهاد خودداری می  
کند که به گفته یکی از اعضای آن "وامهای بیشتر  
در خدمت سرمایه‌داران فرار گرفته است." (اطلا  
عات، ۱۴ آبان ۶۳).

موضع سران رژیم نسبت به فرجام ناکام هیئت  
های هفت نفره با ریا و تزویر همراه است. آنها در  
فشار در دفاع از این نهاد سخن سر می‌دهند  
اما در کردار زمینه اضمحلال آن را فراهم می‌کنند.  
نماینده هیئت‌های هفت نفره از مشهد می‌گوید:  
"همینه بصورت کلی حرف‌هایی زده می‌شود که  
مثلاً آقایان در هر ارادانی مستند مقاومت کنید و به  
کار خود ادامه دهید." و "واقعیت‌جویی آنست  
که این موعظه‌ها و پندها فریبی بیش نیستند. زیرا  
همین اندرزگویان هستند که در پس پرده یا خود  
پای حکم برجیده شدن این نهاد را اعضاء می -  
کنند یا با سکوت و تسلیم عملاً بر آن صحنه می‌گذارند.  
اظهارات حجت الاسلام اصلی نواه روشن این  
واقعیت است." در هر سمناری که شرکت کرده‌ایم  
بعد از آن یک سنگریه عقب رها می‌کنیم."

ظلت اصلی تدارک انحلال هیئت‌های هفت  
نفره در ماهیت ارتجاعی رژیم نهفته است که دفاع  
از مطامع آزمدانه و مالکیت غاصبانه منتهی بزرگ  
مالک نالوده سیاست‌آن را سبب می‌دهد.  
وقتی هدف دفاع و پمینیایی از جابول و غارت  
بزرگ زمینداران باشد قربانی شدن دهقانان امری  
است محروم. در این صورت اساساً سراسر حمایت  
از دهقانان، عواض فریبی سالوادای نیش نیست.  
حجت الاسلام اصلی می‌گوید: "مطرح شده است  
که اکنون صحبت از بند "ح" و بند "د" نباشد  
و مسئله ما استغای حقوق نیست بلکه مسئله ما  
مسئله خودکفایی است." وی در جای دیگری -  
افزاید "درست است که مسئله اصلی ما خودکفایی  
است. اما استغای خود هم جز آرمای‌های انقلاب  
ماست. بل اثر ما این مسائل را بنشین می‌نویسد  
شما مسائل را درک نمی‌کنید. تخصصیست اریم."  
این اظهارات گویای اراد است که بیار به توضیح و  
تفسیر داشته باشد. سران رژیم رسماً و صریحاً  
اعلام می‌کنند که استغای خود منظور از دهقان  
بهره‌ده و رستگاری از ظلم مالک بهره‌کسر و  
سنگری مسئله نظام ج ۰۱۰ نیست. مفهوم دیگر  
این عبارت از است که رسالت ج ۰۱۰ خراسان است  
"خفوق" حواس است. در زمین شرایطی تنها  
تاز به اربابان هفت نفره هم مار دهقانان  
نیست بلکه سدها ستانهای شرکت رستگاری  
روستایی. ضرورت دارد. و اعمی که در ج ۰۱۰ روز  
زاد و می‌دهد. از برای خود ثغایی و غیره سیر  
هفته به ساری. در سیاست ارتجاعی رژیم است.  
خسند و رستگاری. در سراسر رجال، رژیم  
هیئت‌های هفت نفره را به صبر و مکیایی، اقد  
ومت و خالی نشدن. بدان دعوت می‌کنند. براین

## پایان زندگی یکی از پیشکسوتان جنبش کارگری



رفیق توده‌ای منوچهر صلح از پیش  
کسوتان جنبش کارگری ایران در اثر سکه قلبی  
پدرود حیات گفت. زنده یاد صلح  
در سال ۱۲۹۱ در آبادان متولد شد. از سن  
هفده سالگی به استخدا م شرکت سابق نفیست  
ایران و انگلیس درآمد و در عرس دوران به صف  
کارگران انقلابی پیوست. سر از سقوط رضاخان  
دامه مبارزه، او در چهارچوب فعالیت حزبی  
وسعت یافت و به عنوان نماینده شورای متحده  
سندیکاهای کارگری در آبادان به سازماندهی  
اعتصاب پرداخت. اعتصاب بزرگ و برداشته  
کارگران نفت در ۲۳ آذر ۱۳۲۲ نه پسر سمناهی  
آن راه خون کسید با همکاری رفیق صلح و دیگر  
یاران توده‌ای آن رهبری می‌شد.  
فعالیت‌های سندیکایی موجب احراج او از  
شرکت نفت شد و مجبورند سالیان درازی از عمر  
خود را در آبادان سپری کند. رفیق صلح  
در طول زندگی سراسر مبارزه خود همواره تحت  
پیکر پسر محمد رضا ساهی بود و چندین بار  
به اسبابا واهی زندانی شد.  
در دوران انقلاب با کمک دستیاران  
توده‌ای اشره اخدای سندیکای کارگری آبادان  
پرداخت و در سال ۱۳۵۹ اخراج هیئتگی  
سندیکاهای و سورا های کارگری در آبادان شکست  
آنها تأسیس شد. با شروع جنگ و ماضیره  
آبادان مجبورند که آبادان را ترک شد و جز  
بند در صفحه ۸

تیمات جز ماضری. شوار در سوری سوز سید  
عمر هیئت‌های هفت نفره سر به رستگاری  
که یانه اجنه آن بود لند مان سه دامد رژیم  
مکن آمدن لال. برخی ما حقیقتاً به رستگاری  
انحلال رفیق این نهاد شد. خود را در آبادان  
این شد در ماضیه اریم. اریم. اریم. اریم.  
سعی می‌کنند که در این شرایط به رستگاری  
بجستند. سیر. سیر. سیر. سیر. سیر. سیر.  
نام و سوار. دامد سمناری. سوز. فرجام نا  
کام هیئت‌های هفت نفره منظر بارز از سیاست  
ضد دهقانی رژیم ج ۰۱۰ است.

## پیرامون سوانح شغلی: جان کارگران مایه آزر کارفرمایان

درج ۰۱۰ هر روز جان و سلامتی عسده زبادی کارگردان اثر سوانح گوناگون شغلی فدای حرص و آز پایان ناپذیر کارفرمایان می‌شود. در نتیجه شرایط غیربهداشتی محیط کار، بسیاری از زحمتکشان میهن ما دچار بیماری‌های مزمن می‌شوند و بر اثر فقدان حفاظت ایمنی ماشین و ابزار آلات تولیدی دست کارگران، توسط متهم واره برقی و دستگاه پرس و غیره قطع و برخی از آنان نیز به علت شدت جراحات وارده آنسایا بعداً رشته حیاتشان گسسته و قربانی مطامع آزمندانۀ مثنی صاحب و خادم ثروت می‌شوند.

مطابق آخرین آمار رسمی - مربوط به سال ۱۳۶۰ - در سال مذکور، ۱۵۶۰ یعنی روزانه حدود ۶۳ مورد حادثه شغلی در واحدهای تولیدی کشور روی داده است. رقم مذکور از میزان واقعی سوانح حین کار فاصله فاحشگی دارد. خبر زیر مؤید این واقعیت است: "بنابه گزارش مسئولین بیمارستان شهید فیاض بخش واقع در غرب تهران طی ۸۰ روز از سال ۱۳۶۱ از ۱۰ مهر تا آخر دی ماه تعداد ۱۲۲۸ نفر مجروح از کارگاه‌های مختلف به درمانگاه عمومی این بیمارستان منتقل و تحت درمان قرار گرفته‌اند" (کیهان ۸ مهر ۶۳).

این نکته ضمن آنکه بی‌اساس بودن آمار رسمی سوانح کار را عریان می‌سازد، مبین این واقعیت دردناک اجتماعی نیز هست که در میهن ما تنها در یک روز صدها کارگر مجروح و مصدوم شده و ضمن آنکه قربانیان حادثه به سرنوشت غم‌انگیزی گرفتار می‌شوند. نیروی کار کشور نیز بطور جدی و در مقیاس گسترده آسیب می‌پذیرد.

علت سوانح برخلاف ادعای صاحبان سرمایه که آن را معلول بی‌توجهی کارگران جلوه می‌دهند ریشه در مناسبات تولیدی حاکم بر واحد‌های تولیدی دارد. کارفرمایی که تنها در اندیشه سود کلان است از تجهیز دستگاه‌های تولیدی به حفاظت ایمنی پرهیز می‌کند. به گفته مسئول مدرسه عالی حفاظت و بهداشت کار "کارفرمایان بعد از خریدن دستگاه‌ها، حفاظت دستگاه را بر نمی‌دارند و این مسئله بخاطر یا لاجون تولید (بخود سود) و دست‌وپاگیر بودن آن است" (کیهان ۹ مهر ۶۳).

ظل دیگر حادثه‌ها در حین کار از جمله سن کم، بی‌تجربگی، عجله و حواس‌پرتی و غیره تماماً معلول آهنگ شدید کار، فشار کارفرمایان بر کارگران و روابط حاکم بر عرصه کار است. کارفرمایان نخست با استدلال اینکه کارکنان ماهرو آموزش دیده برای کار خود مزد بیشتری می‌طلبند افراد کم‌تجربه را بکار می‌برند سپس ضمن پرهیز از آموزش ایمنی حرفه‌ای، بی‌تجربگی را که امری باصطلاح مربوط به خود کارگزار است علت سانحه جلوه می‌دهند این مسئله عیناً در مورد کودکان نیز صدق می‌کند. درج ۰۱۰ کودکانی که باید پشت میز

مدرسه مشغول تحصیل باشند در اثر سیاست ارتجاعی حاکمیت و فقر شدید روانه کارخانه‌ها می‌شوند. در چنین شرایطی "در کارگاهی که اکثر کارگران آن را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند کارفرما کودک ۱۲ ساله‌ای را پشت دستگاه متهم برقی می‌نشانند و این کارگر مجبور است در حالی که دستهایش در چند میلیمتری نوک مته قرار دارد قطعات ریخته‌گری را سوراخ کند" (کیهان ۸ مهر ۶۰). بی‌شک نونهال ۱۲ ساله قادر به مصاف با دستگاه برقی بدون حفاظت و طبعا قربانی جنایت آشکار صاحبان ثروت خواهد شد. تضاد فی‌نفسی که "کیهان" اعتراف می‌کند: "گروه سنی کمتر از ۱۴ سال در سطح وسیعی دچار سوانح کار می‌شوند" (کیهان ۸ مهر ۶۳).

ظل مربوط به حواس‌پرتی و نظیر آن نیز ریشه در شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه ما دارد. کارگری که توان تهیه قوت لایموت ندارد، کم‌رزش پر فشار سنگین معضل مسکن خم شده و از شدت آهنگ کار خسته و فرسوده است نمی‌تواند از تمرکز حواس و آمادگی روحی کافی برخوردار باشد. در این میان مقصر و مسبب اصلی دولت است که نقش ابزار سیادت بهره‌کشان بر زحمتکشان را ایفا می‌کند. دولت از هر لحاظ جانب کارفرمایان را گرفته و پایبندی آنها شرایط انواع مصائب و تفتیقات را برای کارگران فراهم می‌کند. کارفرمایان در پرتو حمایت رژیم آنچنان گستاخ شده‌اند که از کنترل ظاهری و نیم بند بهداشت و ایمنی محیط کار از سوی بازرسان دولت خودداری می‌کنند. واکنش رژیم به این گردن کجی به قانون "ارشاد" و در بهترین صورت جریبه است. مسئول اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی می‌گوید: "کارفرمایان یا کسانی که مانع ورود و انجام وظیفه بازرسان کار در کارگاه‌های مشمول این قانون شوند و از ارائه اطلاعات و مدارک لازم خودداری کنند به جرمه نقدی ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند. البته این جرائم مربوط به ۲۵ سال پیش است و هم اکنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد" (کیهان ۹ مهر ۶۰). گواهی روشن‌تر از این اظهارات، بر ماهیت سرابا ارتجاعی سیاست کارگری رژیم نمی‌توان سراغ داشت. کیفر تخلف کارفرمایی که بی‌آمد آن مجروح، مصدوم، معلول و فوت‌شدن صدها کارگر در یک روز است. سند استناد قانون ۲۵ سال پیش حد اکثر ۱۰۰۰ تومان جرمه نقدی است. کوئی در این کشور تنها انقلابی روی نداده بلکه جامعه در ۲۵ سال پیش درجا زده است!

کارفرمایان به پشت‌گرمی ارجح بد نگاه رسمی که دست‌اندرکاران در شرایط فعلی تعطیل کارخانه‌ها و واحد‌های اقتصادی مختلف را اصلاح ندانسته و اعتقاد دارند ۰۰۰ باید از طریق ارشاد کارفرمایان در زمینه بکارگیری وسایل ایمنی و غیره مسئله حل شود، نه تنها کامی در

جهت تأمین ایمنی شغلی زحمتکشان از راه تجهیز ابزار و آلات به دستگاه حفاظت بر نمی‌دارند بلکه "روز بروز بر تعداد کارگاه‌هایی که با موازنه استاندارد‌های مشخص شده در زمینه حفاظت و ایمنی کار تطبیق ندارند" می‌افزایند. (کیهان ۹ مهر ۶۰).

سخنان یک کارگر ماهیت سیاست رژیم را بیشتر روشن می‌سازد: "در حال حاضر واردات دستگاه ایمنی پرس از سوی دولت ممنوع اعلام شده است و از طرف دیگر نیاز به این دستگاه برای رعایت مسائل ایمنی روی دستگاه‌های پرس شدیداً احساس می‌شود. بطوریکه هفته‌ای نیست که جرایم خیر قطع انگشتان دست کارگر رستگاری را ندهند لازم به یادآوری است که در حال حاضر حدود ۹۰ درصد کارگاه‌های پرس فاقد این وسیله ایمنی هستند" (کیهان ۳ آبان ۶۳). در حالی که میهن ما جولانگاه انواع کالاهای بنجل کشوره سرمایه‌داری است "دولت خد متکزار" ورود حیاتی‌ترین ابزار را که ضامن سلامتی کارگران است منع کرده است!

یگانه راه تأمین سلامت کارگران در جریان کار تجهیز ابزار تولید به وسایل حفاظت ایمنی، منع کار کودکان، آموزش کافی حرفه‌ای و آهنگ کار مناسب است. کارفرمایان هرگز به رعایت این نکات تن در نخواهند داد. کارگران برای حفظ سلامتی خود و تأمین بهداشت محیط کار باید در واحدهای تولیدی "کمپ" ویژه کنترل ایمنی کار ایجاد کرده و خود آن را اداره کنند که دستیابی به آن تنها در پرتو پیکار متحد و یکپارچه یا استفاده از همه اشکال مبارزه و مهم‌ترین آنها اعتصاب میسر است.

### مبارزه کارکنان ذوب آهن ...

بقیه از صفحه ۲

است که با آن قسمت اعظم فولاد چهار (جنوب در کشورهای پیشرفته غرب و ژاپن) تهیه می‌شود. مهندس سربلگری معتقد است که تولید فولاد در این مجسمه‌های کیفیت عالی است و فرم‌های ما با فرم‌های آلمان (غربی) و اروپا برابری دارد. وی همچنین در رد نظریات مخالفین ذوب آهن اظهار داشت: سال ۵۶ "سال طلایی" مسروبه شده بود و بی‌شک ما توانستیم در سال ۶۲ رکورد طلایی سال ۵۶ را بشکنیم و این بسیار جای خوشحالی است.

چنین است فقط گوشه‌ای از حفاظت مربوط به مجتمع ذوب آهن اصفهان که حادثه سال طری در زمان آرسر بردر آند کارخانۀ قهرمان ذوب آهن نیز در مقاله با این توضیحات احسانه‌اند. وظیفه همه کارگران و طبقه بهره‌های ملی و مترقی است که با همسویی کارکنان اعتماد اعمال تبهکارانه سران ح ۰۱۰ را محکوم کنند.

## خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

### بازجویی یا تجاوز

اخیرا بالای در اتاق بازجویی بند زنان تابلویی به این مضمون نصب شده است: هنگام بازجویی در اتاق بازباز شد. علت این است که آقایان بازجویان هنگامی که زندانی زن با چشم‌های بسته روه دیوار رویت به آنها می‌نشیند دست به اعمال بی‌شرمانه و ناشایستی می‌زنند. تا کنون موارد متعددی از این نوع کثافت کاری‌ها دیده شده است.

### داروی ایرانی برای ضد انقلاب افغانی

در حالیکه مردم محروم ایران، به ویژه نواحی مرزی از کمبود دارو رنج می‌برند، اخیرا ما مورین ژاندارمری در مرز خراسان یک کامیون ده تنی حامل دارو به ارزش ۹ میلیون تومان کشف و ضبط کردند. در این رابطه ۲۷ ضد انقلاب افغانی نیز دستگیر شدند. علت امر، تضاد و درگیری بین ما موران ژاندارمری و پاسداران کمیته مرزی بود است. در اثر این درگیری‌ها چندی پیش‌رئیس ژاندارمری "هلو" به قتل رسید.

### هروئین بی صاحب

چندی پیش یکی از ضد انقلابیون افغانی با ۴ کیلو هروئین دستگیر شد. این شخص با ضمانت یک دکتر افغانی بنام "حاج فیض" آزاد شد. صاحب اصلی قاچاق را تحویل بدهد. اما در موعده مقرر بازنگشت. ما موران، ضامن او یعنی دکتر فیض را جلب کردند. نامبرده پیشنهاد کرد که او را دست بسته به سر مرز ببرند تا قاچاقچی را تحویل بدهد. در محل موعود صاحب هروئین حاضر به تسلیم نشد و با پادریانی سپاه دکتر "حاج فیض" نیز آزاد شد. ما موران ماندند و چهار کیلو هروئین بی صاحب.

### فقط چهار داوطلب

در یک جلسه سخنرانی در مشهد که با مشارکت مسئولین درجه یک جهاد، سپاه و کمیته و دیگر ارگانهای رژیم برگزار شد. از داوطلبان جبهه خواستند که فی المجلس ثبت نام کنند. از جمع چند صد نفری حاضر تنها چهار نفر داوطلب شدند. مسئول جلسه با خشم گفت: "با این وصف به مقامات بالا گزارش کنید تا تکلیف جنگ را روشن کنند." در یکی از شهرهای خراسان چند نفر کسبه "جز" را با تهدید به جبهه اعزام کردند.

### تکمیل آرشيو وزارت اطلاعات

اخیرا برای تکمیل آرشيو وزارت اطلاعات عکس و مشخصات کارگران صنعتی در بسیاری از کارخانجات جمع‌آوری می‌شود. بهانه این است که برای کامپیوتر می‌خواهند.

## باورکردنی نیست، اما حقیقت دارد!

"سرپرست سازمان پلیس قضایی اعلام کرد: اولین ستاد پلیس قضایی از هفته آینده در بند از زندان قزل حصار کرکج مستقر خواهد شد و مقدمات اجرای حدسرت و قطع دست سارقین در حال فراهم شدن است و پلیس قضایی وسیله‌ای به نام ماشین برش برای قطع دست سارقین، که بسیار سریع عمل می‌کند، آماده کرده است. در این رابطه مسائل پزشکی نیز در نظر گرفته شده است. ... و از مراجع ذیصلاح مثل پزشک قانونی، وزارت بهداشتی، دانشگاه‌های پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی کمک گرفته شده است."

"وی افزود: البته مسئله باید هم در بعد فرهنگی - اقتصادی حل شود و هم در بعد قضایی، ولی گمان نکنید که همه سرقت‌ها در دنیا در رابطه با فقر است، چون واقعا تصور نمی‌کنم که در جمهوری اسلامی کسی باشد که در رابطه با تهیه نان و یا پوشاک و یا چیزهای دیگران کار را انجام بدهد، حتی محروم ترین بخش‌های ایران. بلکه عده‌ای ممکن است چون سرقت داشته باشند" (!) کیهان (۶۳/۸/۳۰).

## بودجه سال ۱۳۶۴: نه استقلال، نه رفاه!

گوشت و ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن علوفه از خارج خریداری شد.

آقای نادی در سخنرانی پیش از دستور مجلس شورای اسلامی اعتراف کرد که کشاورزی از نظر سطح کشت در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱: ۶۱ درصد، ۱۳ درصد، برنج ۲۴٫۵ درصد، جو ۵٫۵ درصد، پنبه ۱۶ درصد، چغندر ۱۵٫۵ درصد، توتون ۱۶ درصد، و پیاز ۲۳ درصد کاهش داشت و از نظر عملکرد و برداشت در هکتار در محصولات عده از ۳٫۵ تا ۱۷٫۸۶ درصد کاهش نشان می‌دهد (کیهان، ۲۳ مرداد ۶۳).

چنین است وضع اقتصاد کشور در آستانه طرح لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ در مجلس شورای اسلامی. لایحه بودجه راه خروج از این بن‌بست را نشان نمی‌دهد. در سال ۶۴ از بودجه عمرانی نیز کاسته شده است. ورشکست مالی از سوی و عدم برنامه دقیق منطبق با شرایط کشور و نیز بی‌لیاقتی و عدم کاردانی گردانندگان اهرمهای کشوری از سوی دیگر میلیونها ایرانی را با آینده شومی روبرو ساخته است. تضاد فی نیست که آقای بانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه بودجه می‌گوید: "ما از حالا با این روندی که داریم بحرانمان در سال ۶۵ بدتر از سال ۶۴ خواهد شد" (کیهان، اول آبان ۶۳).

ما هم با این نظر موافقیم. روحانیون حاکم ایران را به ورطه سقوط اقتصادی سوق می‌دهند. میرحسین موسوی مبارزه با تورم را یکی از وظایف عده دولت اعلام داشت. در اینکها تورم افسارگسیخته باید مبارزه کرد تردیدی نیست. ولی شیوه‌های ضد تورمی دولت نیز عمقا ما هیت

این خبر به اندازه کافی روشن و تکان‌دهنده است و نیاز به هیچ تفسیر و توضیحی ندارد، تنها باید گفت که تحمل اعمال وحشیانه و ددمنشانه این جانوران انسان نما، بسیار آسان تر از تحمل سخنان ابلهانه و دروغ‌های بیشرمانه و افاضات فیلسوفانه آنان است! و باید به حال دانشگاه‌های کشور افسوس خورد که یا ناچارند در مسابقه قرائت قرآن شرکت کنند و یا باید ماشین برش برای قطع دست اختراع کنند و بر این کارهای غیرانسانی نظارت کنند.



بقیه از صفحه ۴

طبقاتی و اجتماعی دارد و به ضرورت‌ها محروم است. زیرا دولت در مقابل با تورم‌زثوری پولی بهره می‌گیرد. این باصلاح‌تثوری که از جانب اقتصاددان آمریکایی فرید من پیشنهاد شده یگانه علت تورم را افزایش حجم پول در گردش می‌داند. به نظر هواداران این تثوری، سیرصعیدی قیمت‌ها و در ارتباط با آن کاهش ارزش پول تحت تاثیر فقط يك عامل است: افزایش حجم پول بیش از آهنگ رشد محصول.

انگیزه‌های طبقاتی و اجتماعی این نظریه‌سدر بطن شیوه‌های ضد تورمی پیشنهادی هواداران آن نهفته است. کاهش خدمات اجتماعی دولت به قصد تقلیل حجم پول در گردش، پلانه نسخه‌ای است که آنها برای درمان بیماری مزمن تورم‌تجویز می‌کنند. بودجه سال ۶۴ دولت نیز از همین شیوه ارتجاعی استفاده می‌کند. از هم اکنون می‌توان گفت که نتیجه سیاست ضد تورمی دولت چیزی جز تعمیق بحران اقتصادی، افزایش تعداد بیگاران و گسترش فقر نخواهد بود.

برای نخستین بار فاشیست‌های شیلی این تثوری را از محک آزمایش‌گذراندند. جالب است که آقای فرید من، بدون ذره‌ای شرم مشاورت فاشیست‌های شیلی را در این زمینه معاهده گرفت. بعدها این سیاست ضد تورمی در مصر و اسرائیل هم بموقع اجرا گذارده شد. ولی هیچیک از این کشورها نه تنها به مهار کردن تورم قادر نشدند بلکه با بی‌آمدهای مخرب آن روبرو گردیدند. در اینکه چنین آینده شومی در انتظار جامعه ما نیز هست، کوچکترین تردیدی نمی‌توان داشت.



## ارتش، دلار، اسلام آمریکائی سه تکیه‌گاه حکومت نظامی پاکستان

اما این سیاست با مقاومت روزافزون مردم پاکستان روبرو می‌شود. زیرا پی‌آمدهای فاجعه - آمیز آن را چه از نظر خراب شدن وضع اقتصادی کشور و چه از نظر شرکت‌کشورشان در ماجراجویی‌های امپریالیسم آمریکا دیکر بخوصی احساس می‌کنند بنابراین رژیم نظامی که تنها با تکیه به ارتش و دلار نمی‌تواند موقعیت خود را حفظ کند در جستجوی وسیله‌ای برای توجیه دیکتاتوری وسیع-ترکردن پایگاه اجتماعی خویش است. ضیاالحق این وسیله را در اسلام کردن کشور یافته است. بدین ترتیب ارتش، دلار، اسلام آمریکائی تبدیل به سرکیه‌گاه اصلی دیکتاتوری ضد خلقی وابسته به امپریالیسم در پاکستان شده است.

رژیم کنونی پاکستان جز ارتش تکیه‌گاه قابل اطمینان دیگری ندارد. والته بهترین "دوستان" ژنرال‌های پاکستانی در پنتاگون وزارت جنگ آمریکا هستند.

در پاکستان حدود ۲۰ حزب سیاسی وجود دارد که تقریباً همه مخالف دولت کنونی هستند. ۱۱ حزب عده جنبش‌اعاده د مکرسی را به وجود آورده‌اند که خواهان انجام انتخابات عمومی و دادن حکومت بدست پرگزیدگان خلق است. دولت نظامی پاکستان که در تنگناست پیوسته برای انتخابات تاریخ معین می‌کند و سپس آنرا به تحویق می‌اندازد.

اما از چندی پیش ضیاالحق اسلام را بهانه نغی د مکرسی کرده است. او می‌گوید من "سرباز اسلام" هستم و پاکستان هم یک کشور اسلامی است. در اسلام انتخابات و د مکرسی و از این قبیل چیزها وجود ندارد. هرچه "سرباز اسلام" بگوید همان است و بس! اگر مجلسی هم انتخاب شود باید گوش بفرمان "سرباز اسلام" باشد. به علاوه غیرمسلمانان اصلاً حق شرکت کردن در انتخابات را ندارند.

اخیراً ضیاالحق انجام یک همه پرسی را در مورد اسلامی کردن کامل حکومت البته همراه با تأیید خودش بعنوان رئیس‌جمهور در دستور روز قرار داده و تهدید کرده است که هرکس این انتخابات را تحریم کند به سه سال زندان و پرداخت جریمه محکوم خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران سمپاتی خود را نسبت به ضیاالحق شریک در (آر-سی - دی) و همسنگر در جنگ اعلان نشده علیه افغانستان پنهان نمی‌کند. دوازدهم آذر ماه روزنامه اطلاعات از قول نخست‌وزیر نوشت: امیدواریم هویت اسلامی پاکستان هرچه قویتر رزندگی روزمره مردم و حکومت پاکستان تجلی یابد. آقای رئیس‌جمهوری هم در ارتباط با هواپیما کویستی پیام‌های زیادی از رؤسای کشورهای اسلامی دریافت کرد از میان آنها فقط به ضیاالحق سه ترتیب زیر پاسخ داد: جناب آقای ضیاالحق رئیس‌جمهوری اسلامی پاکستان، پیام شما همراه با پیام دیکر رؤسای کشورهای اسلامی در مورد هواپیما ۰۰۰ امیدوارم به مبارکی ایام میلاد النبی

د رساله‌های اخیر واشینگتن پیوسته مقادیر زیادتری جنگ افزارهای مدرن تهاجمی در اختیار رژیم نظامی پاکستان قرار می‌دهد. سیل هواپیماها، هلیکوپترها، تانکها و توپ‌های آمریکائی بسوی این کشور اسلامی و دوست وهم - سنگر جمهوری اسلامی ایران در جنگ مداخله - جویانه علیه جمهوری د مکرسی افغانستان روان است. شکاری بمب افکن‌های (اف-۱۶) که قادر به حمل بمب‌انتهی است، موشک‌های نوع هوا به هوا و موشک‌های بالدار که روی کشتی‌ها نصب میشوند از جمله این جنگ افزارهاست. قرار است هواپیماهای مدرن جاسوسی، دریایی و هواپیماهای مجهز به رادارهای دورنگر نیز در اختیار پاکستان گذاشته شود. البته تمام این تجهیزات هیچگونه ارتباطی با حفظ امنیت مرزهای پاکستان ندارد. بخصوص که بدون آنها هیچ کشوری پاکستان را تهدید نمی‌کند.

پی بردن به مقاصد اصلی واشینگتن از تجهیز نظامی روزافزون رژیم نظامی پاکستان کارد شواری نیست. امپریالیست‌های آمریکائی تلاش می‌کنند در شبه قاره هند وستان تعادل نظامی را بسود خود بهم بزنند و در اقیانوس هند برتری جنگی بدست بیاورند.

در گزارشی یکی از مؤسسات کاشی پنتاگون گفته شده است که پاکستان می‌تواند بمب‌های یک پایگاه بینابینی برای "نیروهای مداخله سریع" هنگام اعزام آنها از شرق، از جزیره دیکوگا رسیا و از قلمبیین بسوی خلیج فارس مورد استفاده قرار گیرد. در مطبوعات خارجی نوشته‌اند که ایالات متحده آمریکا دیگر موافقت پاکستان را برای ایجاد ایستگاه‌های جاسوسی الکترونیکی و انبار کردن ذخایر استراتژیکی برای تأمین نیازهای عملیات نظامی در منطقه کسب کرده است.

البته پاکستان فقط پایگاه نظامی آمریکا در منطقه جنوب غربی آسیا و غرب اقیانوس هند نیست، بلکه سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا (سیا) نیز مراکز عملیاتی متعدد خود را در پاکستان علیه افغانستان و هند وستان برپا کرده است.

نظا میگری تأثیر بسیار منفی بر اقتصاد پاکستان گذاشته است. وابستگی اقتصاد پاکستان به ایالات متحده آمریکا و دیکر کشورهای غربی پیوسته افزایش می‌یابد. برای هزینه‌های برنامه پنج ساله ششم (۱۹۸۳ - ۱۹۸۸) پاکستان باید ده میلیارد دلار اعتبار بگیرد. و اگر در نظر بگیریم که هم اکنون بدهی‌های پاکستان از سه میلیارد دلار تجاوز می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که در سالهای آینده پاکستان باید ده ساله چهار میلیارد دلار برای قرض‌های قدیمی و سه میلیارد دلار بابت درصد وام‌های تازه پرداخت کند.

این وامها، اعتبارات، سرمایه‌گذارها و "کله‌ها" یعنی دلار پس از ارتش و زمین تکیه‌گاه رژیم نظامی پاکستان برای پیش بردن سیاست ضد ملی و ضد خلقی او است.

(ص) که جشن و سرور مسلمین را به همراه دارند. اما مردم پاکستان اینطور فکرنمی‌کنند. دبیر کل جنبش‌اعاده د مکرسی گفته است: چنین خدعای تاکنون بنام اسلام در تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام بر علیه مردم مسلمان بکار برده نشده است. بلاشاه احمد شاهی رئیس جمعیت علمای پاکستان معتقد است: طرح فرزند و ضیاالحق یک شوخی جسورانه علیه مردم پاکستان است.

وقتی میوه چینان انقلاب شکوهمند مردم ایران چنین شوخی‌های جسورانه‌ای را بنام "ولایت فقیه" در انتخابات مجلس و یا قانون اساسی کشور کردند چرا ضیاالحق کودتاجسی "سرباز اسلام" و عامل امپریالیسم آمریکا در منطقه و دوست و شریک جمهوری اسلامی اینکارها را نکند!

این که مردم مسلمان یا مسیحی و یابهودی باشند و یا به فرمان وجدان انسانی خود زندگی کنند، مورد احترام همه انسان‌های مترقی و آزاداندیش است. بدبختی هنگامی شروع می‌شود که کسانی بخواهند با سوء استفاده از معتقدات مذہبی مردم تخم کین و دشمنی میان کشورها و نژادها و معتقدان به مذاهب مختلف بپاشند و مانند سران ج.ا.و پاکستان و اسرا - ثیل سیاست ارتجاعی داخلی و توسعه طلبانه خارجی خود را با تحمیق توده‌های مذہبی از پیش ببرند.

علت روی آوردن ضیاالحق آمریکائی به اسلام از یک سو ایجاد کین و نفرت نسبت به هند وستان و از سوی دیگر نغی د مکرسی و انتخابات وادی کردن دیکتاتوری نظامی است. اما باید گفت همه این حساب‌ها بدون مردم پاکستان شده و محکوم به شکست است.

### پایان زندگی...

بقیه از صفحه ۵

مهاجرین جنگی در تهران ساکن شود. در دوران انقلاب مقالات او در نشریات "اتحاد" و "انجمن همبستگی" ... با امضای "یک کارگر قدیمی نفت" چاپ می‌شد.

اخیراً طبرغم بخشناه نخست‌وزیری مبنی بر جلوگیری از تخلیه آوارگان جنگی از خانه‌های مسکونی، برای تخلیه خانه‌های که در آن اقامت داشت، تحت فشار شدید ماورین دولتی قرار گرفت. او را تهدید کردند که توده‌های هستی‌واگر خانه را تخلیه نکنی تورا به اوین خواهیم برد. تمام عمر او در تنگ‌ستی گذشت و آخرین حقوق او پس از ۵۵ سال کار و زحمت ۱۸۰۰ تومان حقوق بازنشستگی بود.

رفیق مصلح در سن ۷۲ سالگی پس از ۵۵ سال کار و زحمت بسود رود حیات گفت. او تا زمانی که قلبش می‌تپید به آرمان‌های حزب توده ایران وفادار ماند.